

همزبانی خویشی و پیوندی است  
مرد با نامحرمان چون بندی است  
ای بسا هندو و ترک همزبان  
ای بسا دو ترک چون بیگانگان  
پس زبان محرمی خود دیگر است  
همدلی از همزبانی خوشتر است  
مولوی

## گستره جغرافیایی زبانهای ایرانی (زبانهای ایرانی باستان)

محمود جعفری دهقی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۳۰

### چکیده

زبانهای ایرانی را از دیرباز به سه گروه ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو طبقه‌بندی کرده‌اند. این تقسیم‌بندی صرفاً بدلیل سهولت تجزیه و تحلیل زبانهای مذکور است. زبانهای ایرانی باستان مربوط به دوره مادها و هخامنشیان و زبانهای ایرانی منسوب به عصر اشکانیان و ساسانیان است. زبانهای ایرانی نو را متعلق به دوره اسلامی تا امروز میدانند. نوشتار حاضر با روش توصیفی، نگاهی کوتاه به زبانهای ایرانی و شاخه‌های آن، آنها را مهمترین عامل همبستگی میان اقوام ایرانی میداند.

### کلیدواژگان

زبان؛ بستگی؛ اتحاد؛ ایرانی؛ باستان؛ میانه؛ نو

---

۱. استاد گروه فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران؛ mdehaghi@ut.ac.ir

## مقدمه

اقوام ایرانی مجموعه بزرگی، شامل سکاها، سیستان، مادها، پارسها و پارتها در فلات ایران و کیمری‌ها، گروهی دیگری از سکاها و سرمت‌های منطقه اوکراین؛ آسی‌ها در منطقه قفقاز و سغدها، خوارزمیان، ختنی‌ها و گروه دیگری از سکاها و هپتالیان و یوئه‌چی‌ها در آسیای میانه‌اند. گروهی از این اقوام، مانند مادها و پارسها در حدود هزاره نخست پیش از میلاد به فلات ایران وارد شدند و در دامنه‌های زاگرس سکونت یافته و با اقوام بومی ایران در آمیختند. دو قوم ماد و پارس بعدها در سده‌های هشتم و هفتم پیش از میلاد حکومت‌های ماد و هخامنشی را تشکیل دادند. زبانهای ایرانی باستان، شامل زبانهای مادی، فارسی باستان، اوستایی و سکایی و زبانهای ایرانی میانه، شامل زبانهای پارتی، پهلوی، سغدی، ختنی، خوارزمی و بلخی، بواسطه وجود سه امپراتوری جهانی هخامنشی، اشکانی و ساسانی در فلات ایران و بیرون از آن گسترش یافت. امروزه دو گروه زبانهای ایرانی نو غربی و شرقی در گستره عظیمی از فلات ایران و آسیای میانه پراکنده‌اند. زبانها و گویشهای ایرانی نو غربی عبارتند از:

گویشهای مناطق مرکزی، کویری، حاشیه دریای خزر، گویشهای کهن طبری و گرگانی در مازندران، کردی و گویشهای آن (وابسته به گروه شمال غربی زبانهای ایرانی)، کرمانجی در شرق و جنوب شرقی ترکیه، گروه شرقی در ماوراء قفقاز (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان)، گروه مرکزی در شمال شرقی عراق در سلیمانیه، اربیل، کرکوک و خانقین (به نام سورانی) و در کردستان ایران موسوم به سنندجی، گروه جنوبی شامل کرمانشاهی، سنجایی، کلهری، لکی و لری پشتکوه، زبانهای گورانی و زازا: (وابسته به گروه شمال غربی زبانهای ایرانی)، گورانی (هوارامی / اورامی در کرمانشاه)، باجلانی (در شرق موصل عراق، قصر شیرین، سر پل ذهاب و...)، کرمانجی (زازاکی شمالی) و گویشهای دیملی یا زازاکی (در شرق ترکیه)، همچنین، گویشهای جنوب غرب ایران شامل فارسی، دری (فارسی افغانستان) و فارسی تاجیکی، گویشهای استان فارس: بورنجانی، ماسرمی، سمغانی، پاپونی (کازرون)، اردکانی، خلاری، کندازی (شمال سیوند)، دوانی (شمال کازرون)، گویشهای لری در فارس و خوزستان و غرب اصفهان: ممسنی، کهگیلویه‌یی، بختیاری (غرب اصفهان تا دزفول و شوشتر)، گویش فیلی (در خرم آباد)، گیانی (در غرب نهاوند)، گویش سیوندی، زبان بلوچی که از مرو در ترکمنستان تا خلیج فارس و در جنوب افغانستان و پاکستان ادامه دارد، شامل رخشانی، سراوانی رایج در سراوان بلوچستان ایران، بمپور و ایرانشهر، لاشاری در روستای لاشار در جنوب ایرانشهر، کچی، رایج در دره کچ در مکران پاکستان، گویشهای

ساحلی در شمال چابهار، شاخه‌یی از بلوچی در شرق کویته پاکستان و نیز زبانهای جنوب شرق ایران از جمله زبانهای لارستانی، شامل گویشهای بستکی، بیخه‌یی، اوزی، گراشی، لاری، خنجی، اردی، فداغی، بنارویه‌یی، زبان کمزاری، شامل گویش ساکنان کمزار در عمان و دبا و ساکنان جزیره لارک در خلیج فارس، زبان بشکردی، شامل رودباری در بندرعباس، گویش هرمزی، رودانی و مینابی، بشکردی شمالی و بشکردی جنوبی.

افزون‌برین، زبانها و گویشهای ایرانی نو شرقی، مانند گویشهای پامیری، یغنابی، شغنی، وخی، اورموری، روشنی، برتنگی، اشکاشمی، یزغلامی، پراچی، یدغا و مونجی که در آن سوی مرزهای ایران در ایالت کوهستانی بدخشان در تاجیکستان و افغانستان پخش شده‌اند و لهجه‌های گوناگون پشتو که در افغانستان و پاکستان و کشمیر و پنجاب و سند وجود دارند. همچنین گویش ایرانی «سریکلی» که در ایالت سین کیان (در شمال غربی چین) تکلم میشود. همچنین، آسی / اوستی<sup>۱</sup>، در بخشهای مرکزی قفقاز در استیا، شامل دو گویش ایرونی یا آسی شرقی و دیگوری یا آسی غربی. گویشوران این زبان در اوستیای شمالی، آلان، استیای جنوبی و بخشی نیز در ترکیه و مجارستان ساکنند. از آنجا که هرودوت سرزمین آسیها را «آسیا» نامید این نام بعدها به سراسر قاره آسیا داده شد. این زبانها حامل فرهنگ و جهان‌بینی ایرانیند و این فرهنگ را به سراسر جهان ایرانی انتقال میدهند. نگاهی به برخی شاخه‌های زبانهای ایرانی، تنوع و گستردگی این زبانها و گویشهای آن را نشان میدهند.

زبانهای ایرانی، شاخه‌یی از خانواده زبانهای هند و اروپایی هستند. رابطه زبانهای هند و اروپایی را سر ویلیام جونز (۱۷۴۶-۱۷۹۴ م) انگلیسی کشف کرد. وی متوجه شد که میان زبانهای سنسکریت با زبانهای ژرمنی، لاتینی و یونانی رابطه خویشاوندی برقرار است (Arlotto, 1972:39). پس از آن دانشمندان دیگری نیز به اثبات رابطه خویشاوندی زبانهای هند و اروپایی پرداختند. شلگل<sup>۲</sup> (۱۷۷۲-۱۸۲۹ م)، به بررسی دستور تطبیقی این زبانها پرداخت و سپس، فرانتس بوپ<sup>۳</sup> (۱۷۹۱-۱۸۶۷ م)، به تألیف آثاری در زمینه دستور زبان تطبیقی زبانهای هند و اروپایی همت گماشت. در پی این تحقیقات، دانشمندان دیگری چون یاکوب گریم<sup>۴</sup> (۱۷۸۵-۱۸۶۳ م) و کارل بروگمان<sup>۵</sup>

1. Osseti
2. Friedrich von Schlegel
3. Franz Bopp
4. Jacob Grimm
5. Karl Brugmann

(۱۸۴۹-۱۹۱۹م)، موفق به کشف شاخه‌های دیگری از زبانهای هندواروپایی شدند. مهاجرت اقوام هندواروپایی از دشتهای جنوب روسیه بسوی غرب احتمالاً از ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ سال ق.م آغاز شده بود. امروزه دانشمندان خانوادهٔ زبانهای هندواروپایی را شامل ده شاخهٔ اصلی به این شرح میدانند: آریایی؛ آلبانیایی؛ آناتولیایی؛ ارمنی؛ ایتالیک؛ بالتی؛ تخاری؛ ژرمنی؛ سلتی و یونانی.<sup>۱</sup> در گیرودار مهاجرت اقوام هندواروپایی، گروهی از آنها در حدود هزارهٔ دوم پیش از میلاد از شمال آسیای میانه، بسوی جنوب سرازیر شدند. بخشی از این اقوام به حوالی رود جیحون رسیدند و در مناطقی که بعداً ایرانویچ نامیده شد، ساکن شدند.



ایرانویچ در اطراف رود جیحون؛

مأخذ: (دانشنامه ویکی‌پدیا: آمو دریا)

رود جیحون از کوه‌های هندوکش سرچشمه میگیرد و سرانجام به دریاچهٔ اورال میریزد. بدین ترتیب میتوان گفت که اقوام هندواروپایی، به دو دسته تقسیم میشوند:

۱. اقوام اروپایی، نظیر ژرمنها، لاتینها، اسلاوها و سلتها؛

۲. اقوام هند و ایرانی، شامل اقوام هندی و اقوام ایرانیند. اقوام ایرانی، نظیر سکاهای سکستان، مادها، پارسها و پارتها در فلات ایران و کیمیریها، سکاهای سرمتها در منطقهٔ اوکراین؛ آسیها در منطقهٔ قفقاز؛

سغدها، خوارزمیان، ختنیها، سکاهای و هپتالیان و یوئه‌چیها در آسیای میانه‌اند. در حدود هزارهٔ نخست پیش از میلاد مادها و پارسها به فلات ایران وارد شدند و در دامنه‌های زاگرس سکونت یافتند. این دو، بعدها در سده‌های هشتم و هفتم پیش از میلاد، حکومتهای ماد و هخامنشی را تشکیل دادند.

زبان‌شناسان برای سهولت بررسی زبانهای ایرانی، آنها را به سه گروه زبانهای ایرانی باستان، ایرانی میانه و ایرانی نو تقسیم کرده‌اند. در ادامه در این نوشتار، زبانهای ایرانی باستان را مورد بررسی قرار میدهیم:

۱. دربارهٔ پژوهش زبانهای هندواروپایی و آرای گوناگون در زمینهٔ مهاجرت این اقوام رک: (Szemerényi, 1999) (Arlotto, 1972; Mallory, 1991; Parpola, 2002;

### زبانهای ایرانی باستان

این زبانها از حدود هزارهٔ دوم پیش از میلاد تا چندی پس از فروپاشی امپراتوری هخامنشی در میان اقوام ایرانی رواج داشته است. محدودهٔ جغرافیایی این زبانها از مرزهای شمالی چین تا سواحل شمالی دریای سیاه و از شمال غربی فلات ایران تا سواحل جنوبی خلیج فارس گسترده بوده است. آغاز نگارش این زبانها دست کم به ۵۲۰ ق.م؛ یعنی نگارش سنگ‌نوشتهٔ سه زبانهٔ داریوش در بیستون باز میگردد (اشمیت، ۱۳۸۲: ۶۱). تاکنون چهار زبان مادی، سکایی، فارسی باستان و اوستایی شناخته شده است. بدیهی است زبانهای باستانی دیگر نیز وجود داشته که امروزه اثری از آنها در دست نیست؛ اما ممکن است بتوان شواهد آنها را در زبانها و گویشهای ایرانی نو بازیابی کرد.<sup>۱</sup>

#### • زبان مادی

زبان مادی، احتمالاً در گسترهٔ جغرافیایی بزرگی که در زمرهٔ قلمرو مادها بوده بکار رفته است. مادها از حدود ۷۵۰ ق.م در شمال غربی فلات ایران فرمان میراندند. آثار مکتوب مستقیمی از این زبان باقی نمانده است؛ با این حال دانشمندان به بررسی برخی ویژگیهای این زبان از راه اندک واژگان آن (که در کتیبه‌های آشوری، بابلی، فارسی باستان، ایلامی و اسناد آرامی و نیز اسامی خاص بازمانده)، در گزارشهای مورخان باستان، نظیر هرودوت پرداخته‌اند (همان: ۱۵۴). از ویژگیهای این زبان تبدیل  $xv^*$  ایرانی باستان به  $f^*$  و  $vi^*$ - آغازی ایرانی باستان به  $gu^*$  است. جدول زیر پاره‌یی از این دگرگونیها را نشان میدهد:

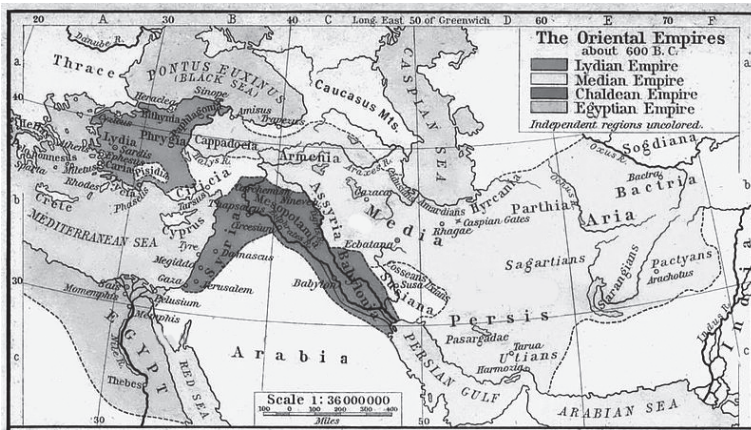
دگرگونی در پاره‌یی از واژگان زبان مادی

مادی	ایرانی باستان	مادی	ایرانی باستان
*Farnah <sub>-</sub>	*xvarnah <sub>-</sub> (Av. xvarənah <sub>-</sub> )	*f	*xv
*Guštaspa <sub>-</sub>	*Vištaspa <sub>-</sub>	*gu <sub>-</sub>	*vi <sub>-</sub>
*aspa <sub>-</sub>	*asa <sub>-</sub>	*sp	*tsv
*zana <sub>-</sub>	*vispa.zana <sub>-</sub>	*z	*dz

۱. برای آگاهی بیشتر از شاخه‌های گوناگون زبانهای ایرانی باستان، رک: Schmitt, 1989; Ghilain, 1966; Humbach, 1960; Mayrhofer, 1968; 1985; Gershevitch, 1976; Abaev, 1979; Morgenstierne, 1960.

آیلرز، سه گویش گوناگون مادی را با توجه به مناسبات گویشی امروزی از یکدیگر جدا میکند. این گویشها عبارتند از:

- مادی جنوبی در حوالی اصفهان؛
- مادی شمال شرقی در سمنان، سنگسر و خور؛
- مادی شمال غربی در آذربایجان (Eilers, 1972).



گستره سرزمین ماد در ۰۵۵ ق.م؛ مأخذ: (دانشنامه ویکی‌پدیا: مادها)

### ● زبان سکایی باستان

قبایل سکایی، سرمتی، ماساگت‌ها و آلان‌ها از سده هشتم پیش از میلاد تا آغاز عصر مسیحیت در گستره وسیعی از کناره‌های دریای سیاه تا نزدیکی چین پراکنده بوده‌اند. چهار گروه از سکاهای کتیبه‌های فارسی باستان نام برده شده‌اند:

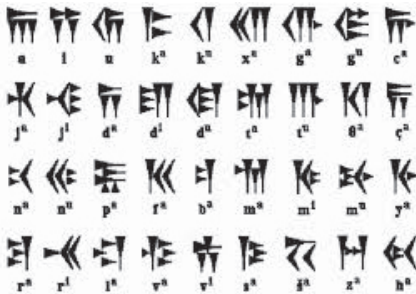
سکاهای تیزخود؛ سکاهای آنسوی سغد؛ سکاهای نوشنده هوم؛ سکاهای آنسوی دریا. دانشمندانی چون هارماتا و آبیف در بازشناسی گویشهای مختلف این زبان، تلاشهایی کرده‌اند؛ اما تاکنون جز شناسایی تعدادی واژه، اثر بیشتری از این زبان بدست نیامده است. برخی از این واژگان، عبارتند از:

\*\_aspa\_ /اسب، \*\_baga\_ /خدا، \*\_madu\_ /عسل، \*\_raupasa\_ /روبا، \*\_varka\_ /گرگ، \*\_zantu\_ /قبیله  
(Kent, 1953; Abaev, 1979: 160-162; ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۶۲)

۱. برای آگاهی بیشتر از این زبان ر.ک: (Mayrhofer, 1968; Harmatta, 1970)

### ● زبان فارسی باستان

زبان فارسی باستان، زبان منطقه فارس و پایگاه هخامنشیان بود که در عهد هخامنشی بعنوان زبان رسمی ایران هخامنشی بکار رفته است. هخامنشیان برای ارتباط با جهان بیرون از جهان ایرانی از زبان آرامی بهره میبردند. این زبان به نام آرامی سلطنتی شهرت یافته است. اما زبان فارسی باستان در شمار زبانهای ایرانی غربی است و فارسی میانه و فارسی نو، ادامه آن شمرده شده است. گستره جغرافیایی زبان فارسی باستان احتمالاً فراتر از مرزهای ایران هخامنشی بوده است. چنانکه فارسی باستان از زمان داریوش اول به خط آرامی نیز نوشته شده است. بر درگاه ورودی آرامگاه داریوش یکم در نقش رستم، کتیبه‌یی به خط آرامی و به زبان فارسی باستان وجود دارد که احتمالاً متعلق به زمان اردشیر دوم یا اردشیر سوم است (Frye, 1982؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸). با این همه غالب آثار کتیبه‌یی دوران هخامنشی به سه زبان فارسی باستان، ایلامی و بابلی بوده که این امر نشان از تمایل شاهان هخامنشی برای نمایاندن فعالیت‌های سیاسی خود و گسترش آن دارد. گسترش زبان فارسی باستان در عهد هخامنشی به آن پایه بود که بازتاب آن را میتوان بر متون بابلی، آرامی، ایلامی، عبری و حتی مصری باستان و یونانی نیز باز یافت. در عصر هخامنشی روایات حماسی ایران که به زبان فارسی باستان نقل میشد، در متون یونانی نیز بازتاب داشته است (Gershevitch, 1976). گئورگ گروتفند، پژوهشگر آلمانی در آغاز سده هجدهم میلادی تلاش‌های شایانی در رمزگشایی و شناخت کتیبه‌های هخامنشی کرد که به باز شدن راه، برای سایر محققان تا رسیدن به درک کامل آن کتیبه‌ها منجر شد. بزرگترین اثر بازمانده از این زبان، کتیبه داریوش در بیستون است. افزون برین، بیش از هشتاد کتیبه بزرگ و کوچک از شاهان هخامنشی از جمله کورش کبیر، داریوش اول، خشایارشا، اردشیر اول، داریوش دوم، اردشیر دوم و سوم در همدان، شوش، تخت جمشید، میان‌رودان، مصر، سوریه و آسیای صغیر بدست آمده است.<sup>۱</sup>



الفبای خط میخی پارسی باستان؛  
مأخذ: Ancientscript.com

۱. برای آگاهی از این زبان و منابع آن ر.ک: (اشمیت، ۱۳۸۲؛ ۱۱۰: ۱۳۹۵؛ Lecoq, 1997; Kent, 1953)

### • زبان اوستایی

زبان اوستایی، زبانی است که کتاب *اوستا* بدان نوشته شده است. مهمترین بخش آن *گاهان* است که کهنترین بخش از مجموعه بزرگتری به نام *یسناست*. ظاهراً بخشهایی از کتاب *اوستا* بمروور زمان مفقود شده و آنچه امروزه از آن برجای مانده، شامل پنج کتاب *یسنا*، *یشتها*، *وندیداد*، *ویسپرد* و *خرده اوستاست*. پژوهشگران درباره گستره جغرافیایی زبان اوستایی نظرات متفاوتی ابراز کرده‌اند؛ اما از آنجایی که این زبان عناصری از زبانهای شرقی و نشانه‌هایی از زبانهای غربی ایران را در خود دارد، آن را حدفاصل زبانهای ایرانی غربی و شرقی شمرده‌اند (Henning, 1942). دانشمندان که بخش *کهن اوستا* یا *گاهان* را سروده خود زردشت میدانند، درباره زمان و مکان آن نظرات متفاوتی پیشنهاد کرده‌اند. گروهی نظیر *هنینگ* و *گرشویچ* زمان کاربرد این زبان را همزمان با زمان زندگی زردشت و در حدود سده‌های هفتم یا ششم پیش از میلاد میدانند و گروه دیگر، چون *هومباخ*، *نیولی* و *کلنز آن* را متعلق به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد می‌شمارند. از سوی دیگر *خاستگاه نخستین زبان اوستایی*، *خوارزم*، *سیستان*، *سغد* و *بلخ* دانسته شده است.<sup>۱</sup>

### زبانهای دیگر ایرانی باستان

آنچه مسلم است زبانهای ایرانی باستان، محدود به این چهار زبان اوستایی، مادی، فارسی باستان و سکایی نیست. بررسیهای دانشمندان نشان میدهد که زبانهای باستانی نواحی گوناگون جهان ایرانی، دارای ویژگیهای منحصر بخود بوده است. تفاوت میان صورتهای باستانی برخی واژه‌های خوارزمی میانه با معادلهای اوستایی آنها نشان میدهد که احتمالاً زبان خوارزمی باستان، گونه مستقلی از دیگر زبانهای ایرانی باستان بوده است (Humbach, 1985). بازسازی برخی نوشته‌های سغدی موجود در کتابخانه بریتانیا که از سوی *گرشویچ* (۱۹۷۶) صورت گرفته، نشانگر وجود زبان سغدی باستان است. پژوهشهایی که درباره زبان بلخی انجام شده، احتمال میدهد که صورت باستانی این زبان با عنوان «باکتریایی باستان» وجود داشته است. همچنین، بررسی و تحقیق دیگری که از سوی *مرگنشتیرنه* (۱۹۶۰) صورت گرفته است، وجود زبان شیرازی باستان را به اثبات میرساند. تردیدی نیست که اقوام *کیمری* که در حدود ۱۰۰۰ ق.م در دشتهای شمالی قفقاز میزیستند و محدوده آنها تا جنوب مجارستان نیز امتداد یافته به

۱. درباره زمان و مکان زندگی زردشت و نظرات گوناگون آن ر.ک.:

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۰: ۲۳-۲۱; Harmatta, 1994; Humbach, 1991; Panaino, 1990; Bailey, 1985)

یکی از زبانهای ایرانی باستان تکلم میگردند. افزون‌ترین میتوان به جرئت اذعان کرد که شواهد متعددی دال بر وجود زبانهای رنجی باستان در شرق شاهنشاهی هخامنشی، پارتی باستان، کرمانی باستان و شکل‌های باستانی زبانهای سایر نواحی جهان ایرانی است (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸).

### نتیجه‌گیری

۱. زبانهای ایرانی در دوران باستان، بواسطه وجود سه امپراتوری جهانی هخامنشی، اشکانی و ساسانی در گستره‌ی به وسعت نیمی از جهان باستان پراکنده شد و حتی به میان ملت‌های غیرایرانی نیز راه یافت؛ بطوری که پژوهش‌های زبان‌شناسان و علمای فقه‌اللغه نشان‌دهنده وجود عناصر زبانها و فرهنگ ایرانی در میان سرزمین‌های وسیعی است که در زمان آن سه امپراتوری در حوزه جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی ایران باستان بوده است.

۲. از بررسی گستره جغرافیایی زبانهای ایرانی باستان، میتوان نتیجه گرفت که زبانهای ایرانی نظیر فارسی، کردی، بلوچی و لری و غیره، حاصل تحول تاریخی همان زبانهای باستانی و میانه‌ایرانیند که هر یک به منزله گنجینه‌ی از ذخائر علمی و فرهنگی این سرزمین بشمار میروند. در میان این زبانها، زبان فارسی بعنوان زبان رسمی سرزمین ایران در واقع بمنزله یکی از عوامل و عناصر اتحاد و یگانگی میان همه ایرانیان تلقی میشود. این زبان در طول تاریخ از چنان توانایی فرهنگی، ادبی و علمی سترگی برخوردار بوده که از دیرباز همه ایرانیان را به هم پیوند داده و هیچ عاملی توان جدایی آنها را از یکدیگر نداشته است. بدیهی است که زبانهای ترکی و عربی و دیگر زبانهایی که از سوی گروه بسیاری از هم‌میهنان ایرانی تکلم میشود، موجب غنای فرهنگی و علمی زبانهای ایرانی بوده و همواره به ارزش زبانهای ایرانی افزوده است.

۳. در دوران اسلامی نه تنها از نفوذ و گسترش زبانهای ایرانی کاسته نشد؛ بلکه به برکت دین متعالی اسلام و گسترش فرهنگ ایرانی، زبان فارسی در سراسر شبه قاره هند، آسیای میانه و آسیای صغیر گسترش یافت. به همین سبب امروزه بر این باوریم که زبان فارسی تنها متعلق به ایرانیان نیست؛ بلکه میراث مشترک ملت‌های مشرق‌زمین است. این میراث متعلق به مردم ایران، هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ترکیه و اقوام متعددی است که طی سده‌ها اندیشه‌های فلسفی و عواطف و احساسات ادبی خود را بوسیله آن پرورش داده و به تکامل رسانده‌اند. بنابراین امروزه ابزار بسیار ارزشمندی به نام زبانهای ایرانی در اختیار ماست که با نگرهبانی و پاسداری از آن میتوانیم تاریخ و فرهنگ و هویت خود را به جهان عرضه کنیم و بنای رفیعی از رابطه فرهنگی و دوستی میان



- Henning, W.B., (1942), "The Disintegration of Avestic Studies", Transactions of the Philological Society.
- Humbach, H., (1985), "About Gōpatšāh, His Country, and the Khwārezmian Hypothesis", ActaIranica 24, pp. 327-334.
- \_\_\_\_\_, (1991), The Gāthās of Zarathushtra and the other Old Avestan Texts, 2 vols., Heildelberg.
- Kent, R.G., (1953), Old Persian Grammar, Texts, Lexicon, New Haven.
- Lecoq, P., (1997), Les inscriptions de la Persachemenide, Paris.
- Mallory, J. P., (1991), In Search of Indo-Europeans, London.
- Mayrhofer, M., (1968), "Die Rekonstruktion des Medischen", Anzeiger der Österreichischen Akademie der Wissenschaften, philosophisch-historische Klasse, Graz-Wien-Köln.
- \_\_\_\_\_, (1989), "Vorgeschichte der iranischen Sprache; Urriranisch", Compendium LinguarumIranicarum, rd. R. Schmitt, Wiesbaden.
- Morgenstierne, G., (1960), "Stray Notes on Persian Dialects", Norsk Tidsskrift for Sprogvidenskap XIX, pp. 73-140.
- Panaino, A., (1990), "La religione zoroastriana: guida critica e bibliografica", Vendidad, tr. F. A. Cannizzaro, Milano.
- Parpola, A., (2002), "From the Dialects of Old Indo-Aryan to Proto-Indo-Aryan and Proto-Iranian", Indo-Iranian Languages and Peoples, ed. N. Sims-Williams, London.
- Schmitt, R., (1989), "Altpersisch", Compendium LinguarumIranicarum, rd. R. Schmitt, Wiesbaden.
- Szemerényi, O. J. L., (1999), Introduction to Indo-European Linguistics, Oxford.

#### منابع اینترنتی

مرکز مطالعات خلیج فارس، قابل دسترسی در:

- ~ [www.persiangulfstudies.com](http://www.persiangulfstudies.com)
- ~ [www.Ancientscript.com](http://www.Ancientscript.com)
- <https://fa.wikipedia.org>